
آزادی و شناخت

اثر جان آدامز
بر اساس ویرایش دایان راویچ



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران
پروژه

e-collaborative
for civic education

THE AMERICAN READER.
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner
whatsoever without written permission except in the case of brief
quotations embodied in critical articles and reviews.

For information address HarperCollins Publishers Inc.,
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published
by arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی
توانا
TAVANA
برای جامعه مدنی ایران
<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education
<http://www.eciviced.org>

آزادی و شناخت

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نویسنده: جان آدامز (John Adams)

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راولیچ (Diane Ravitch)

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

e-collaborative for civic education

سیکسای دموکراتیک استفاده می‌کند. (ECCE) E-Collaborative for Civic Education یک سازمان غیرانتفاعی (501c3) در ایالات متحده آمریکا است که از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروندی، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیرگرایی و جوامعی شایسته‌سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می‌گذارند، است.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا؛ آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ‌نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

فهرست مطالب

۷

مقدمه دایان راویچ

۹

آزادی و شناخت

مقدمه دایان راویچ

«بگذار شهامت خواندن، اندیشیدن، گفتن و نوشتن را داشته باشیم... بگذار دریچه‌های شناخت گشوده شود و رود شناخت جریان یابد.»

جان آدامز^۱ در ماساچوست چشم به دنیا گشود. از کالج هاروارد فارغ‌التحصیل شد، به مطالعه قانون و تدریس دستور زبان پرداخت و به عضویت کانون وکلا پذیرفته شد. وی از ۱۷۶۵ به بعد با انتشار سلسله مقالاتی در روزنامه Boston Gazette شهر بوستون در اعتراض به قانون استعماری «مالیات تمبر»^۲ که به موجب آن هرگونه محتوای چاپی در مستعمرات آمریکایی بریتانیا می‌بایست بر روی کاغذهای تولید لندن و دارای تمبر مالیه طبع و منتشر می‌شد، پا به عرصه سیاست گذاشت. آنچه در پی این مقدمه خواهد آمد، گزیده‌ای از این سلسله مقالات، تحت عنوان «رساله‌ای بر

1. John Adams (1735 – 1826)

2. Stamp Act of 1765

قانون شرع و قانون فئودال^۱ است.

آدامز اگرچه منتقد سیاست‌های بریتانیا بود، ولی از سربازان بریتانیایی که در جریان کشتار بوستون^۲ در ۱۷۷۰ به قتل ۵ مستعمره‌نشین آمریکایی متهم شده بودند، دفاع کرد. در جریان این محاکمه، یک افسر فرمانده و چندین نفر از سربازان تحت فرماندهی وی از اتهامات وارده بر ایشان تبرئه شدند. اراده آدامز مبنی بر دفاع از پرونده‌ای که با مقبولیت عمومی همراه نبود، مانعی برای ادامه کار و تلاش وی در عرصه سیاست ایجاد نکرد.

آدامز در ۱۷۷۴ به عنوان نماینده در نخستین کنگره قاره‌ای^۳ که مجمعی از نمایندگان دوازده مستعمره از مستعمرات سیزده‌گانه بریتانیا در شمال آمریکا بود و در فیلادلفیای پنسیلوانیا برگزار شد، شرکت کرد. وی همچنین، در کنار توماس جفرسون^۴، عضو هیأتی بود که وظیفه تدوین و نگارش اعلامیه استقلال آمریکا را بر عهده داشت. جان آدامز نخستین معاون رئیس‌جمهور ایالات نوینیا متحده آمریکا بود و سپس در ۱۷۹۷ به ریاست جمهوری این کشور انتخاب شد.

آدامز در انتخابات ۱۸۰۰ از نامزد دیگر ریاست‌جمهوری، توماس جفرسون، شکست خورد. آدامز و جفرسون هر دو در ۴ ژوئیه ۱۸۲۶، مصادف با پنجاهمین سالروز استقلال آمریکا، چشم از جهان فرو بستند.

-
1. A Dissertation on the Canon and Feudal Law
 2. Boston Massacre of 1770
 3. First Continental Congress
 4. Thomas Jefferson (1743 – 1826)

آزادی و شناخت

... هر کجا حساسیتی نسبت به این مسئله [شناخت] شکل گرفته و شناخت عمومی مستولی شده است، به همان نسبت خودکامگی حکومت و هر نوع سرکوب نیز رو به کاهش گذاشته است. انسان بدون تردید برخوردار از روحی والا است. اصلی که در ذات انسانی است - تمایلی که با شناخت تشویق می‌شود و مبتنی بر غیردوستی است؛ منظورم عشق به قدرتی است که اغلب موجب بردگی نیز شده است - هر زمان که آزاد بوده است، موجب آزادی نیز شده است. اگر همین اصل بوده است که همواره شاهزادگان و اشرافیت را برانگیخته تا به هر طریقی، از فریب و شیادی گرفته تا استفاده از خشونت، محدودیت‌های قدرت خویش را از میان بردارند، نیز همین اصل همواره عامه مردم را بر آن داشته است تا به سوی استقلال خویش گام برداشته، در راه محدود ساختن قدرت والادستان در چهارچوب انصاف و عقلانیت تلاش نمایند.

درست است که تهی‌دستان از والادستان و بزرگان از کامیابی بسیار کمتری برخوردار بوده‌اند. آنها به ندرت این فرصت یا فراغت را یافته‌اند تا با متشکل شدن در

قالب یک اتحادیه به اعمال قدرت خویش همت گمارند؛ از آنجا که عامه مردم از فرهنگ و از هنر بی بهره بوده‌اند، به ندرت نیز توانسته‌اند مخالفت خویش را به طور مستمر سازماندهی کرده و از آن حمایت کنند. چنین صفتی، با این وجود، همواره به عنوان صفت ذاتی و خوی آدمی بر والادستان و توانمندان امری واضح و شناخته شده بوده است؛ و با در اختیار داشتن چنین شناختی بوده است که والادستان همواره در پی آن بوده‌اند تا علم به حقوق خود و توانایی تمیز دادن نیک و بد از یکدیگر و دفاع از نیکی و پرهیز از بدی را، از آنهایی که تحقیرآمیزانه عوام نام‌شان نهاده‌اند، به زور هم که شده غصب کنند.

منظور من از حق و حقوق در اینجا آن حق و آن رشته حقوقی است که مقدم بر هر حکومت این‌دنیایی است، حقوقی که بنا بر قوانین انسانی فسخ‌شدنی و محدودیت‌پذیر نیست، حق و حقوقی که ناشی از قانون‌گذار بزرگ عالم هستی است...

در نبود یک شناخت عمومی در میان مردم نمی‌توان از آزادی پاسداری کرد، مردمی که در قالب خاستگاه طبیعی‌شان برخوردار از حق شناخت هستند، از آنجا که خالق بزرگ ایشان، از آن رو که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد، به ایشان قوه ادراک و میل به شناخت اعطاء فرموده است؛ اضافه بر این، مردم از حق فسخ‌ناشدنی، مسلم، و سلب‌ناشدنی شناخت شخصیت و رفتار حاکمان خویش برخوردارند، حتی که بیش از هر حق و حقوق دیگری ترس و غبطه حاکمان را به همراه دارد. حاکمان چیزی بیش از وکیل، نماینده، امانت‌دار یا خادم مردم نیستند. و اگر به شکل دسیسه‌آمیزی به این اعتماد و امانت و منفعت خیانت شود، مردم حق دارند اتوریت‌های را که خودشان به نمایندگان و به خادمین و امانت‌داران خویش اعطاء نموده‌اند از ایشان بازپس گرفته و خادمین و امانت‌داران و نمایندگان لایق‌تری را به جای آنها منصوب دارند.

بدین ترتیب است که حراست از ابزار و از وسایل شناخت در میان فرودست‌ترین مردم، از اهمیت عمومی بیشتری در کشور از هر آنچه ثروت و مالکیت توانمندان و والادستان به شمار می‌رود، برخوردار است. چنین امری حتی برای والادستان و ثروتمندان و نوادگان آنها نیز، از اهمیت و پیامدهای مهمی برخوردار است. تنها پرسش این است که آیا چنین امری می‌بایست با تکیه بر مقرری عمومی صورت پذیرد یا خیر؟ و اگر چنین است که از راه هزینه عمومی باید مورد حراست قرار بگیرد، ثروتمندان نیز باید متناسب با میزان ثروت خویش، ثروتی که از طریق خرج مصارف

عمومی از امنیت برخوردار شده است، به نوبه خود در این گونه هزینه عمومی شریک باشند. ولی از میان تمام ابزارهای دسترسی به شناخت، شاید هیچ وسیله‌ای به اندازه ابزار مطبوعات از عشق و از توجه و از پشتیبانی مردم در بین مستعمره‌نشینان آمریکا برخوردار نبوده است. به تشویق صنعت چاپ و به ارزان بودن، در دسترس بودن و امن بودن طبع و نشر افکار از سوی هر فردی که بخواهد اندیشه‌های خویش را با دیگران در میان بگذارد، توجه خاصی شده است...

بگذار شهامت خواندن، اندیشیدن، گفتن و نوشتن را داشته باشیم. بگذار مردم، در هر قشر و در هر مرتبه‌ای که هستید، توجه خویش را بیدار کرده و روح تازه‌ای به اراده خویش بدمند. بگذار جملگی به دقت توجه خویش را بر پایه‌ها و اصول حکومت دینی و مدنی معطوف بدارند.

بگذار قانون طبیعت را مطالعه کنیم؛ بگذار در روح بریتانیا و حکومت و نهادهای آن جستجو کنیم؛ بگذار تاریخ ادوار باستان را بخوانیم؛ بگذار در نمونه‌های برجسته یونان و روم اندیشه کنیم؛ بگذار نمونه نیاکان بریتانیایی خود را در برابر خویش قرار دهیم، همان‌هایی که در مقابل مستبدین داخلی و خارجی و در برابر سلاطین خود کامه و غاصبین و روحانیت ظالم و بی‌رحم، از حقوق ذاتی انسان برای ما دفاع کرده‌اند. همان‌هایی که اگر خلاصه بگویم، از ما در برابر دروازه‌های زمین و جهنم پاسداری کرده‌اند.

بگذاره بخوانیم و یاد آن دسته از نیاکان نزدیک‌تر خویش را که خانه و آشیانه سرزمین مادری خود را برای ما ترک کرده و در دنیای وحشی دلتنگ‌کننده و غریب سکنا گزیدند، به خاطر داشته باشیم. بگذار ذات آن قدرت را بشناسیم و بگذار بی‌رحمی آن سرکوبی را که نیاکان ما را از سرزمین مادری‌شان راند، بشناسیم. بگذار پایمردی ایشان و رنج‌های جگرسوز آنها و تلاش‌های سختی را که برای هموار کردن زمین، و برای ساختن آشیانه‌های خود و گردآوری علوفه و تغذیه و تدارک خوراک و پوشاک در میان خطراتی که از جانب حیوانات و انسان‌های وحشی متوجه ایشان بود، پیش از آنکه فرصت یا سرمایه‌ای برای تجارت دست‌وپا کنند، به جان خریدند، به یاد آورده و به خاطر بسپاریم.

بگذار تمامی آن اصول مدنی و دینی و تمامی آن امیدها و آرزوهایی را که همواره راهنمای ایشان و تحمل و بردباری‌شان در میان انبوهی از سختی‌ها و مشقت‌ها بود، به یاد آورده و به خاطر بسپاریم. بگذار همواره به خاطر داشته باشیم که آنچه ایشان را رهنمون شد و بر تمامی دل‌سردی‌ها و مخاطرات و آزمون‌ها غالب ساخت، همانا آزادی

و امید به آزادی بود، آزادی برای خود و برای ما و برای خویشان ما. بگذار در هر کجا و در هر مرتبه که هستیم، با اشتیاق هر چه تمام تر قدم در این راه نهاده و به تمامی این پرسشگری‌ها همت گماریم؛ خاصه آن جستجو که در پی یافتن پشتیبانان راستین قانون، شناخت و دین است!

بگذار منبر پژواک آزادی دینی و دکترین آن باشد. بگذار بانگ خطری را که از ناحیه جهل و فقر و عدم استقلال، یعنی از جانب اسارت و بندگی سیاسی و مدنی، متوجه وجدان‌های ما است، هر چه رساتر بشنویم. بگذار جغرافیای راستین انسان هر چه خواناتر در برابر چشمان ما ترسیم گردد. بگذار کرامت ذات انسان را بشنویم. بگذار رتبه والا و اصیلی را که انسان در میان مخلوقات الهی دارد بدانیم. بگذار بدانیم که رضایت دادن به بندگی، توهین به مقدسات و خیانت به امانت است، همان اندازه توهین‌آمیز در دیدگان الهی که خفت‌آور از دیدگاه غیرت و شرافت و منفعت و خوشبختی انسان. بگذار بدانیم و بشنویم که خداوند قادر مطلق، آزادی و صلح و حسن تفاهم آدمی را از عرش آسمان اعلام کرده است!

بگذار «قوانین، حقوق و طرح بخشنده نظام قدرت» میراث ادوار دوردست باستانی مان اعلام گردد؛ میراث مبارزات جانانه و جانفشانی‌های بی‌اندازه‌ای که نیاکان ما در دفاع از آزادی از خویش به جا گذاردند. بگذار همگان بدانند که حقوق اولیه، شرایط عقد قراردادهای اولیه، جملگی هم‌تراز و هم‌عصر حکومت و اختیارات آن هستند؛ که بسیاری از حقوق ما ذاتی و اساسی‌اند، حقوقی که به عنوان یک قاعده کلی و یک اصل مقدماتی، حتی پیش از آنکه مجلسی و قوه مقننه‌ای در کار باشد، پذیرفته شده و مورد موافقت قرار گرفته‌اند. بگذار جستجو کنند در بنیادهای نظام حقوقی و سیاسی بریتانیا در چهارچوب ذات انسان و در قالب فطرت عقلی و اخلاقی او و دنیای او. بگذار ببینند که حقیقت، آزادی، عدالت و نوع‌دوستی و نیک‌خواهی جملگی از بنیادهای جاودانه او هستند؛ و اگر برچیده شدن این بنیادهای انسانی را بتوان متصور شد، بی‌تردید روساخت‌های انسانی نیز واژگون خواهند شد.

بگذار از مجامع و از جوامع، هماهنگ و هم‌آوا، بانگی یک‌نوا و دلفروز در ستایش زیبایی آزادی و فضیلت و در نهی بردگی و بدی و زشتی و فساد و بدخیمی آن برخیزد. بگذار جدال‌های عمومی جستجویی شوند در ذات و در بنیادها و در مقاصد حکومت، ابزاری برای پاسداری از نیکی و برای نابود کردن بدی.

بگذار مباحث و گفتگوها ابزاری شوند برای تأثیرگذاری بر اذهان، برای توزیع گسترده و فراگیر فکرت‌ها و عوالم و احساس حق و آزادی. اگر کوتاه و مختصر بگویم، بگذار دریچه‌های شناخت گشوده شود و رود شناخت جریان یابد.



توانا

TAWANA

آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

پروژه

e-collaborative

for civic education
